



فارسی کهنکشان

چهارم دبستان

دکتر شمسی صدری نیا

کودکوار
دانش
پای
افت
ساز
چندت
میت
۱۳۹۳

تاک کتاب

تاسعه قضا

مطربان

نظری

بیری

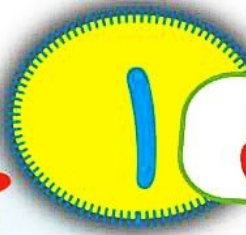
قالب

زادتن

کتاب

کتاب

۴.....	فصل ۱: آفرینش
۶.....	درس ۱: آفریدگار زیبایی
۱۳.....	درس ۲: کوچ پرستوها
۲۰.....	خودسنجی شماره ۱:
۲۱.....	فصل ۲: دانایی و هوشیاری
۲۲.....	درس ۳: راز نشانه ها
۲۷.....	درس ۴: ارزش علوم
۳۴.....	درس ۵: راهایی از قفس
۴۰.....	خودسنجی شماره ۲
۴۱.....	فصل ۳: ایران من
۴۲.....	درس ۶: آرش کمانگیر
۵۰.....	درس ۷: مهمان شهر ما
۵۷.....	فصل ۵: نام آوران
۵۸.....	درس ۱۰: باغچه ی اطفال
۷۲.....	درس ۱۲: اتفاقی ساده
۷۷.....	خودسنجی شماره ۴
۸۷.....	فصل ۶: راز زندگی
۷۹.....	درس ۱۳: لطف حق
۸۵.....	درس ۱۴: ادب از که آموختی
۹۱.....	درس ۱۵: شیر و موش
۹۸.....	خودسنجی شماره ۵
۹۹.....	فصل ۷: علم و عمل
۱۰۰.....	درس ۱۶: پرشگری
۱۰۶.....	درس ۱۷: مدرسه هوشمند
۱۱۳.....	خودسنجی شماره ۶
۱۱۴.....	خودسنجی نوبت دوم
۱۱۶.....	نام نامه



فصل

آفرینش

درس اول - دوم



● مخالف کلمات

● نهان ≠ آشکار ● هست ≠ نیست ● خوبی ≠ بدی

● جدا ≠ متصل ● روشن ≠ تیره ● آهسته ≠ تند

● واژه های مهم املائی

ارغوانی - جهان افروز - قشر - زینت داد - براق - دل انگیز - چیره دست - غوک نظاره -

صنوبر - سطح - مهاجر - طلایی

● واژه آموزی

● آموزش واژه های خوشه ای مربوط به فصل - گل و تداعی آن ها است. تداعی یعنی پی بردن از یک

معنی به معنی دیگر است و به یاد آوردن مفهومی به وسیله مفهوم دیگر. مثلا شنیدن واژه فصل بهار

تابستان پاییز و زمستان است. به گروه کلمات زیر دقت کنید و سپس سعی کنید شباهت های میان

کلمات هر گروه را بیابید.

● گروه الف : کیف ، دختر ، پاک کن ، مداد

● گروه ج : سرد ، گرم ، معتدل ، کوهستانی

● گروه ب : سبز ، آبی ، ارغوانی ، بنفش

همان طور که مشاهده می کنید کلمات هر گروه با هم ارتباط معنایی دارند بعنوان مثال

گروه (الف) همه ی کلمات (لوازم مدرسه، است و در گروه های دیگر هم این ارتباط خاص

دیده می شود که باعث ایجاد یک شبکه ی معنایی هماهنگ و متناسب شده است.

مفاهیم درس

صحبت درباره ی نقاشی چهار فصل است که تصمیم می گیرند هنر زیبای خود را به تصویر

بکشند و خورشید جهان افروز را به داوری انتخاب کنند. هر یک از فصل ها به تناسب



آفریدگار زیبایی

● واژه نامه

- آویخت : آویزان کرد
- ارغوانی : قرمز مایل به بنفش
- انبوه : فراوان
- جهان افروز : روشن کننده ی جهان
- قشر : لایه
- نیلی : آبی تیره
- زینت داد : تزئین کرد ، آراست
- براق : درخشان
- برکه : آبگیر
- دل انگیز : زیبا و جذاب
- جلا دادن : براق کردن
- دریغ : افسوس
- غوک : قورباغه
- گلگون : سرخ رنگ
- نظاره کنند: تماشا کنند
- شگفت انگیز: تعجب آور
- داوری : قضاوت کردن
- رمه : گله
- کاج و سرو و صنوبر : نام درخت
- چیره دست : ماهر، زبردست
- کبک : پرنده ای است از راسته ی مرغان خانگی که قدی کوتاه و تنی تپل دارد.
- بندگان : انسان ها
- بُود : باشد - هست
- نهران : پنهان - مخفی
- دمی : لحظه ای
- نشان : علامت
- جوی : پیدا کن - بجوی

● واژه های هم خانواده

- معرفت : عرفان - معرف - تعریف
- هوشیار : هوشمند - هوشیارانه - هوش
- مهاجر : مهاجرت : هجرت - هجران
- نظاره : نظر - منظره - نظارت
- نقاشی : نقاش - منقش - نقش





زیبایی فصل خودش از رنگ های مخصوص استفاده می کنند و نقاشی زیبایی را خلق می نمایند در انتها خورشید به داوری بین آنان می پردازد و چون هر کدام زیبایی و رنگ خاصی دارند هر چهار هنرمند را چیره دست معرفی می کند و می گویند بگذارید مردم نقاشی های شما را ببینند و از آن لذت ببرند.

نکات نگارشی

تصویر نویسی: در تصویر نویسی ابتدا باید تصویر خوان بسیار خوبی باشیم و تصویر را با دقت نگاه کنیم جزئیات آن را به ذهن بسپاریم سپس آن چه را که درک کگرده ایم با استفاده از جملات مناسب بیان کنیم و از تکرار کلمات اضافه و غیر ضروری پرهیز نماییم.

املاء و واژه آموزی

۱- با حروف به هم ریخته کلمه ی مناسب بنویس و سپس یک جمله بساز. * *

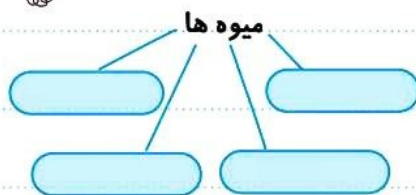
آ - ج - ف - ه - ا - ن - و - ر - ز

ر - پ - ک - ا - ن - د

ه - ا - ج - م - ر

ظ - ن - ر - ا - ه

۲- نمودار های زیر را کامل کن.





دانی و لهو شیاری

درس سوم ، چهارم ، پنجم



راز نشانه ها

● واژه نامه

● آسیاب: دستگاهی براب خرد کردن گندم و دانه های دیگر

● آواز: صدا - بانگ

● برگرفت: برداشت

● پرفریب: حیلت ساز - فریبکار

● زیرکی: هوشیاری

● مرغان: پرندگان

● خشمگین: عصبانی

● طعمه: خوراکی

● واژه های هم خانواده

● طعمه: طعام - طعم

● دلیل: دلایل - دلالت

● حاکم: حکومت - حُکم

● فهمید: فهم - مفهوم

● واژه های مهم املائی

● آسیاب - قهوه خانه - الاغ - حدس - هوش و فهم - معذرت - خواست

واژه آموزی و دانش زبانی

کلمه هایی که از نظر تلفظ یکسان هستند، ولی از نظر معنی و املا با هم تفاوت دارند را

کلمات «هم آوا» یا «مشابه» می گویند.

● ارض: زمین

● قضا: تقدیر

● اساس: پایه و بنیاد

مثال:

● عرض: پهنا

● غذا: خوراک

● اثاث: وسایل، لوازم خانه



ارزش علم

درس ۴

● واژه نامه

● برافراشته : بالا برده شده ● حکیم : دانشمند

● چاره : تدبیر - درمان - راه حل ● قصد : اراده - نیت

● پیاموزی : یادگیری ● نیک نامی : خوش نامی

● آموختن : یاد دادن ● امواج : جمع موج

● بیندیشد : فکر کند ● افزود : اضافه کرد - افزایش داد

● واژه های هم خانواده

● قصد : قاصد ، مقصد ● امواج : موج ، موج

● آموختن : آموزش ، آموخت ● تعلیم : علم ، معلوم

● حکیم : حکمت ، حکما ● مشغول : شغل ، شاغل

● حاضر : حضور ، محضر ● دانا : دانش ، دانایی

● شهرت : مشهور ، مشاهیر ● مسافر : سفر ، مسافرت

● غرق : غریق ، اغراق ● فکر : تفکر ، افکار



● واژه های مهم املائی

قصد ، برافراشته ، امواج ، توفان ، تعلیم ، حکیم ، حاضر ، مسافران ، می خواست غرق ، ساحل

امیر شهر از او پرسید.

حاضری به جوانان ما چیزی بیاموزی؟

آفرین! مرچبا! این طوری به حرف مادرت گوش می کنی؟

۱۶- مفهوم ضرب المثل دیوار موش دارد و موش گوش دارد را نقاشی کن.



رهایی از قفس

گفت طوطی را چه خواهی ارمغان • کارمت از خطه هندوستان

معنی: بازرگان به طوطی گفت: چه هدیه ای می خواهی که از سرزمین هندوستان برای تو بیاورم؟

گفت آن طوطی که آن جا طوطیان • چوبینی کن ز حال ما بیان

معنی: طوطی گفت هر زمان طوطیان هم نوع مرا در هندوستان دیدی حال مرا برای آن ها بیان کن

کان فلان طوطی که مشتاق شاست • از قضای آسمان در حبس ماست

معنی: که آن طوطی که اشتیاق دیدار شما را دارد به خاطر تقدیر و سرنوشت گرفتار ما شده است

این چرا کردم؟ چرا دادم پیام؟ • سوختم بیچاره را زین گفت خام

معنی: بازرگان با خودش گفت: چرا این کار را کردم؟ چرا این پیام را دادم؟ من با این سخن

نسنجیده و خام او را از بین بردم. **نکته:**

کلمه ی «گفت» در این بیت فعل نیست. در این بیت مفهوم «سخن» را دارد و یک اسم است.

کرد بازرگان تجارت را تمام • باز آمد سوی منزل شادکام

معنی: تاجر معامله را به پایان رساند و شادکام به سوی خانه اش برگشت

هر غلامی را بیاورد ارمغان • هر کنیزک را بخشید او نشان

معنی: بازرگان برای غلامانش سوغاتی هایی آورد و به هر یک از خدمتکاران زن هدیه ای داد.

گفت طوطی ارمغان بنده کو • آن چه گفتمی و آن چه دیدی، بازگو

معنی: طوطی گفت سوغاتی من کجاست هرچه دیدی و شنیده ای را برایم شرح بده

گفت: گفتم آن شکایت های تو • با گروهی طوطیان همتای تو

معنی: بازرگان جواب داد اعتراض های تو را به طوطیان مثل تو گفتم.

آن طوطی ز دردت بوی برد • زهره اش بدرید و لرزید و برد

معنی: یکی از طوطیان از رنج تو با خبر شد و ترسید و بر زمین افتاد و مرد. « شاعر: مولوی »

بوی بردن: کنایه از فهمیدن

نکته: زهره اش بدرید: کنایه از ترسیدن





۱- کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

- الف) خوار : خار ب) خواست : خاست ج) قضا : غذا د) یافتن : باختن

۲- کدام کلمه با بقیه هم معنی نیست؟

- الف) فریب ب) مکار ج) حیلت ساز د) حقه باز

۳- کدام کلمه با «گریستن» متضاد است؟

- الف) خوشحالی ب) گریه کردن ج) خندیدن د) غمگین بودن

۴- کدام ترکیب غلط املائی دارد؟

- الف) سوقاتی گران بها ب) مأمور باغ وحش ج) طوطیان هندوستان د) گرفتار توفان

۵- کدام مصراع به نشانه ی دو نقطه (:) نیاز ندارد؟

- الف) گفت طوطی ارمغان بنده کو ب) گفت طوطی را چه خواهی ارمغان

- ج) سوختم بیچاره را زین گفت خام د) گفت گفتم آن شکایت های تو

۶- همه ی کلمه ها دو جزء معنی دارند جز گزینه ی ...

- الف) گران بها ب) قبه خانه ج) خوشبخت د) باغبان

۷- کتاب «مثنوی معنوی» از کیست؟

- الف) فردوسی ب) مولوی ج) حافظ د) سعدی

۸- کدام ضرب المثل با بقیه بی ارتباط است؟

الف) هر که نان از عمل از عمل خویش خورد منت حاتم طایی نبرد.

- ب) بخور نان خود بر سر خوان خویش.

- ج) نخورده ایم نان گندم دیده ایم دست مردم.

- د : خوش آن چاهی که آب از خود بر آرد

۹- مفهوم ضرب المثل «جیک جیک مستونت بود، فکر زمستونت نبود؟» با کدام گزینه هماهنگی دارد؟

- الف) آینده نگری ب) تلاشگری ج) عصبانیت د) خلافت

۱۰- کلمه ی «رد» در کدام جمله تشدید « - » نیی گیرد؟

- الف) الاغی که از این جا رد شد. ج) در امتحانات رد شدم

- ب) از این محله رد شدم د) رد پای الاغی را دیدم



۵- طبقه بندی کن.

آرش کمانگیر	پروین اعتصامی	رستم	سعدی	تختی	فردوسی
	پهلوانان				شاعران

۶- کلمات هم معنی را رنگ کن.

کم و کاستی	تناور	مغرب	نگریست	خاور
درشت پیکر	نقص	نگاه کرد	مشرق	باختر

هنر و سرگرمی

۷- مفرد کلمات زیر را بنویسید و جمله بسازید.

تورانیان :

بازوان :

گام ها :

خطرات :

۸- به حروف الفبا دقت کن و به سوالات داده شده ، پاسخ بده.

الف - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ

ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی

الف : حروف بی نقطه را جدا کن و بنویس.

ب: چند حرف بسته پیدا کن و بنویس.

ج : اگر از حروف (ظ، ه) حرف به سمت چپ برویم و سپس دو حرف به سمت راست برگردیم

نام شاعر:

کدام یک از حروف الفبا به دست می آید.

۹- بیت ها را در شعر زیر کامل کن و نام شاعر را بنویس

بس گو را بود باران

رازهای جاودانی

پندهای آسمانی

ملهمان شکر ما

واژه نامه

- استقبال : به پیشواز کسی رفتن
- هجوم : حرکت - یورش - حمله
- اندوه : ناراحتی
- خروشان : پر سر و صدا
- بالاخره : سرانجام
- فعالیت : تلاش - کوشش
- تپش : جنبش - حرکت
- خاطر : اندیشه - ذهن - حافظه
- پوشش : لباس - جامه
- محور - اساس - پایه
- رخسار : چهره - صورت
- نشاط : شادی
- هین : آگاه باش
- نگار : محبوب - یار
- بی صبرانه : نا آرام
- شامه : بینی
- دلهره : نگرانی
- حضور : وجود - حاضر بودن
- تحسین آمیز : آمیخته به تحسین و آفرین

واژه های هم خانواده

- استقبال : اقبال ، مستقبل
- فعالیت : فعال ، فعل
- اشعار : شعر ، شاعر
- جمعیت : جمع ، جماعت
- مدرسه : درس ، تدریس
- طلوع : طالع ، مطلع
- حضور : حاضر ، حصار
- حس : احساس ، حواس



واژه های مهم املائی

- استقبال - انتظار - رخسار - هیجان - نشاط - پاکیزه - حس - طلوع

۸- جدول را با توجه به متن درس هفتم کامل کن و با دو عبارت جدول یک بند بنویس.

بچه ها با پوشش		مدرسه
امواج		مردم
	جیک جیک	گنجشکان
کوچه و		شهر

جمله: _____



۹- معنی بیت زیر را بنویس.

آب زنید راه را هین که نگار می رسد مژده دهید باغ را بوی بهار می رسد

۱۰- کتاب گلستان را چه کسی نوشته است؟

۱۱- یکی از داستان های گلستان را که شنیده یا خوانده اید به صورت کوتاه بنویس.

۱۲- « گل سرخ - محمد تقی - نرگس - درخت سیب ،

کلمه های داده شده را با حروف [ولی - به - از - و - تا] به هم وصل کن و داستان کوتاه بنویس.

۱۳- نوع حروف را بنویس [نشانه ، اضافه ، ربط]

درخت سیب پر از شکوفه شده بود او خود را به نسیم سپرد.

سلام ای صبح سپید. پوشش سبزم را روی خود بکشم تا او من را نبیند.





۱۵- هر عبارت را بخوان و معنی کن.

قنادی رونقی نداشت و زندگی به سختی می گذشت.

آتش ذوق و قریحه ی آن در کنج خانه ها خاموش می شد.

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من * چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

۱۶- بند سوم درس باغچه ی اطفال را مرتب و تمیز بنویس.

A large yellow rectangular area with horizontal dashed lines, intended for writing the answer to question 16.

۱۶- بند زیر را ادامه بده.

در اتاقم نشسته بودم و به پنجره خیره شده بودم که ناگهان گنجشکی توجه مرا به خود جلب

کرد گنجشک بیرون پنجره لبه ی طاقچه نشسته بود . به سمت پنجره ..

A large yellow rectangular area with horizontal dashed lines, intended for writing the answer to question 16.



آرزوی همه ی مردم ایران بود . مقاومت های پراکنده ای در شهر ویران خرمشهر دیده می شد و بالگرد های دشمن در تلاش بودند فرماندهان نظامی را از مهلکه نجات دهند ؛ اما با سقوط یکی یکی از آن ها ؛ بقیه فرار را بر قرار ترجیح دادند و بعد از آن روحیه ی نیروهای بعضی تضعیف شد و به لطف خداوند و تلاش رزمندگان اسلام آزادی خرمشهر سهم همه ی مردم ایران شد.



املا و دانش زبانی

۱- واژه های زیر را معنی کن :

تسخیر ناپذیر، یعنی

خستگی ناپذیر، یعنی

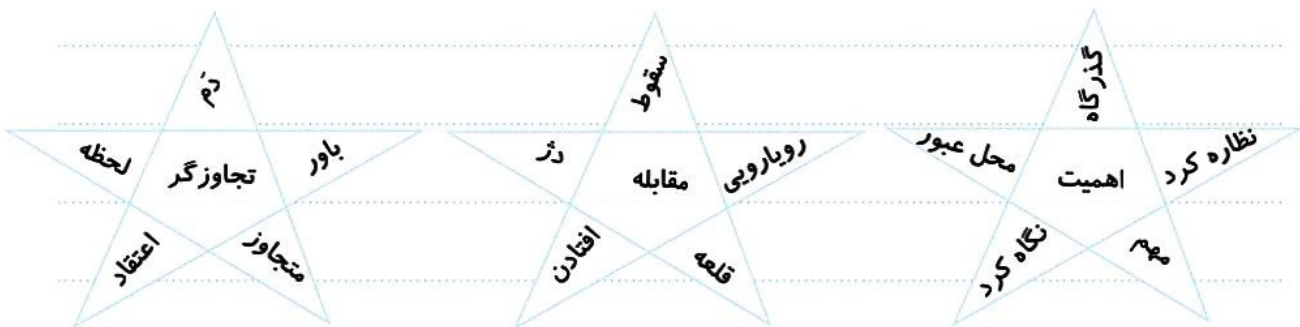
شکست ناپذیر، یعنی

وصف ناپذیر، یعنی

۲- املا ی درست هر کلمه را بنویس :

مسئولیت = محلکه = ظربه نهایی = سؤال =

۳- واژه های هم معنی را به هم وصل کن



● واژه های مهم املائی

..... مرخصی - شهدا - اعتقاد عجیبی - محتاج - عروسک - تسخیرناپذیر - رزمندگان - وصف ناپذیر
..... احساس - ضربه نهایی - مظلومی - نظامی - منطقه - مسئولیت - سقا - سقوط - مقاومت - مؤمن
..... - مطمئن - خستگی ناپذیر - نفوذ - گذرگاه - آغوش - مهلکه - جامع - ترجیح - وحشت

واژه آموزشی و دانش زبانی

به ترکیب های زیر دقت کنید.

دژ تسخیر ناپذیر : یعنی دژی که به آسانی نمی توان آن را بدست آورد.

شور و شوق وصف ناپذیر : یعنی اشتیاقی که به آسانی قابل توصیف نیست.

در ترکیب های بالا قسمت دوم کلمه در مورد کلمه ی اول توضیح می دهد و در واقع حالت و ویژگی و

چگونگی آن را بیان می کند به این ترکیب ها که (اسم + صفت) آمده است ترکیب وصفی می گویند.

نکته: کلمه های چو و چون وقتی حرف ربط هستند که در جمله به معنی « برای این که » ، « وقتی که » ،

« زمانی که » ، به دلیل که « و اگر به کار روند.

مانند : چو ایران نباشد تن من مباد

کلمه ربط جمله دوم جمله اول

کلمه ی چون و چو اگر به معنی مثل و مانند باشند حرف ربط نیستند بلکه کلمه تشبیه هستند .

مانند : قطره ای باران چون دانه ای مروارید از ابری چکید. (مانند : مثل)

مفاهیم درس

درس درباره ی هشت سال دفاع مقدس و دلاوری جوانان ایرانی و به شهادت رسیدن بسیاری

از سربازان ایرانی برای دفاع و استقلال کشور است یکی از این دلاوران شهید «حسین خرازی»

بود. او در سال ۱۳۳۶ در اصفهان به دنیا آمد و در هشتم اسفند ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای

پنج به شهادت رسید . حسین خرازی بسیار انسان شریف و شوخ طبعی بود او بچه های شهدا

را می خنداند و آن ها را با بازی های کودکانه اش سرگرم می کرد او به دعای بچه های شهدا

اعتقاد عجیبی داشت . در آن زمان متجاوزان ، خرمشهر را اشغال کرده بودند . آزادی خرمشهر



۱۳- شکل صحیح کلمه را از داخل کمانک انتخاب کن و در جمله ها بنویس

الف : محل تولد من ، آبادی خرث ، در شهریز داشت . (هومه ، حومه)

ب : یک بار در کودکی به خاطر فقر ، خوردم . (حسرت ، هسرت ، حصرت)

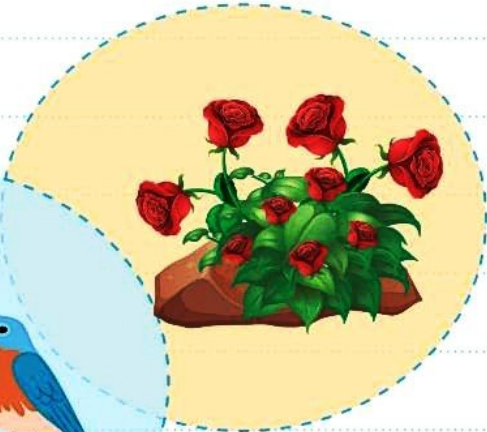
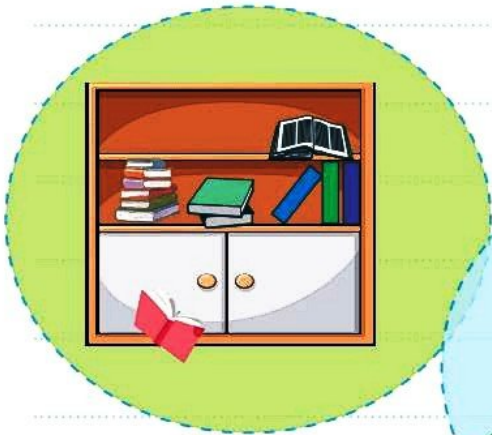
ج : تنها ام خریدن کتاب های جدید بود . (دلخشی ، دلخوشی)

چ : ممکن است بیماری اش به ما کند . (سرایت ، صرایت)

ح : در کتابخانه ، پر از کتاب بود . (قفسه هایی ، غفسه هایی)

د : در آن جا به بنایی شدم . (مشقول ، مشغول)

۱۴- برای تصاویر زیر صفت مناسب بنویس سپس از کلمه های مورد نظر استفاده کن و یک بند بنویس .



A large yellow rectangular area with a dotted border, intended for writing a paragraph based on the images above.



۴ - با جابجا کردن نشانه ها ، کلمه ی مناسب را پیدا کن و بنویس .

ک - ح - م ج - و - ی ر - ت - ن - ا - ز و - د - ا - ر

۵ - هم خانواده ی کلمه های زیر را بنویسید .

حکم _____ ، _____ ، باطل _____ ، _____

عدل _____ ، _____ ، حق _____ ، _____

۶ - برای کلمه های زیر صفت مناسب بنویس و سپس با آن جمله بساز .

ساحل _____ : _____

رَبّ _____ : _____

موج _____ : _____

کشتی _____ : _____

شهباز _____ : _____

۷ - کلمه های هم معنی را هم رنگ کن .

حمله کرد عدل تازان تاخت حیّ داور نگون بخت شتابان
بدبخت پَران بیم انصاف در حال پریدن ترس خداوند

هنر و سرگرمی

۸ - کلمه ای بنویس که با کلمات داده شده ارتباط دارد .

کوه ، دشت ، _____ ، درخت ، شاخه ، _____

کبوتر ، قناری ، _____ ، نگون اقبال ، تیره بخت ، _____

عقاب ، قرقی ، _____ ، پَران ، پریدن ، _____

۹ - جاهای خالی را با کلمه ی مناسب پر کن .

_____ که شهبازی کهنسال کبوتر بچه ای را _____

نظر کرد انگون اقبال _____ کمان بر کف به زه تیر _____

بزد ماری به _____ پای صیاد بر باز خورد آن _____



ادبیات که آموختی

درس ۱۴

● واژه نامه

● اندوخت : ذخیره کرد

● بلند آواز : پر سر و صدا

● آموخت : یاد گرفت ، آموزش داد

● عالم : دانشمند ، دانا

● ناپسند : نامناسب ، زشت

● ماند : شبیه است

● مشک : ماده ای روغنی و خوشبو

● پرهیز کردن : دوری کردن

● طبله : صندوقچه

● عطار : عطر فروش

● میان تهی : توخالی ، پوچ

● طبل غازی : طبل جنگی

● نکرد : انجام نداد

● آواز : صدای بانگ ، آهنگ

● واژه های هم خانواده

عطار : معطر ، عطر

آموخت : آموزش ، آموختن

عالم : علم ، معلم

ادب : ادیب ، مؤدب

نظر : ناظر ، منظور

دانا : دانش ، دانشمند

عمل : عامل ، اعمال



● واژه های مهم املائی

بیهوده ، اندوخت ، عالم ، بی عمل ، ناپسند ، عطار ، طبل نمازی ، طبله ی عطار ، لقمان ، مُشک

پرهیز ، بلند آواز ، میان تهی

که تو شاه وحوشی و من موش موش هیچ است پیش شاه وحوش

• معنی : تو پادشاه حیوانات وحشی هستی درحالیکه من فقط یک موش هستم . موش در مقابل پادشاه ، هیچ و بی ارزش است

تو بزرگی و من خطاکارم از تو امید مغفرت دارم

• معنی : تو بزرگی و من اشتباه کردم و از تو امید بخشش دارم .

شیر از این لابه رحم حاصل کرد پنجه وا کرد و موش را اول کرد

• معنی : شیر به خاطر خواهش موش رحم کرد پنجه اش را باز کرد و موش را رها کرد .

اتفاقاً سه چار روز دگر شیر را آمد این بلا بر سر

• معنی : از قضا چند روز بعد همین بلا بر سر شیر آمد .

از پی صید گرگ، یک صیاد در همان و حول و جوش دام نهاد

• معنی : یک شکارچی به دنبال صید کردن گرگ در آن اطراف دام گذاشت .

دام صیاد گیر شیر افتاد عوض گرگ شیر گیر افتاد

• معنی : دام صیاد نصیب شیر شد به جای گرگ شیر گیر افتاد .

موش چون حال شیر را دریافت از برای خلاص او شتافت

• معنی : از حال شیر با خبر شد برای خلاصی و رهایی اود با عجله رفت .

بندها را جوید با دندان تا که در برد شیر از آن جا جان

• معنی : طناب ها را با دندان جوید تا اینکه شیر از آن جا جان برد .

شیر چون موش را رهایی داد خود رها شد ز پنجه ی صیاد

• معنی : چون شیر موش را رها کرده بود خودش نیز از دست شکارچی رها شد

مفاهیم درس

این درس از سروده های « ایرج میرزا » شاعر معاصر است .

داستان شیر و موشی است که در جنگل باهم زندگی می کردند و موش از سر بازیگوشی شیری را که در جنگل خوابیده بود را بیدار می کند و این باعث خشمگین شدن شیر می شود و بعد از عصبانیت می خواهد که موش را بکشد ولی موش با خواهش و تمنا از او درخواست می کند که او را ببخشد شیر با توجه به التماس موش ، دلش به رحم می آید و او را می بخشد و شیر بعد از چند روز در دامی که برای گرگ گذاشته شده بود گیر می افتد و موش بخاطر جبران کارش او را رهایی می بخشد .





۱۰ - با توجه به سوالات هوش خودت را امتحان کن و پاسخ بده .

• دور ترین حرف به حرف « ف » در حروف الفبای فارسی کدام است ؟

الف : « ی » ب : « ش » ج : « و » د : « ض »

• رابطه ی تاجر با تجارت مانند قاضی است با _____

الف : محکومیت ب : قضاوت ج : وکیل مدافع د : متهم

• رابطه ی « پا به جوراب » مانند _____

الف : چشم به عینک ب : ماهی به برکه ج : موش به سوراخ د : دست به دستکش

۱۱ - از هر گروه کلمات خواسته شده را بردار و کلمه ی جدید بساز

حرف دوم مغفرت حرف اول آشفته حرف سوم روز حرف دوم شیر

حرف چهارم خلاص حرف سوم زمین حرف دوم لابه حرف اول دندان



۱۲ - معنی بیت ها و عبارت های زیر را بنویس .

موش چون حال شیر را دریافت از برای خلاص او بشتافت

شیر از این لابه رحم حاصل کرد پنجه وا کرد و موش را ول کرد

خانم ژرمن قطره اشکی را که بر گونه اش فرو می غلتید، پاک کرد.

نین متفکرانه نگاه می کرد .

این ها هفت مروارید سرخ سحر آمیز هستند .



۳- هر دو کلمه را در یک جمله به کار ببر .

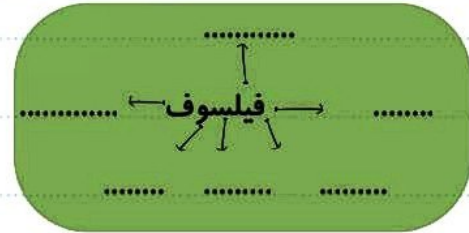
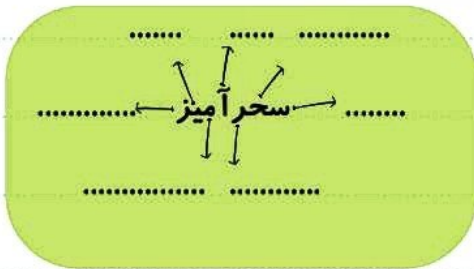
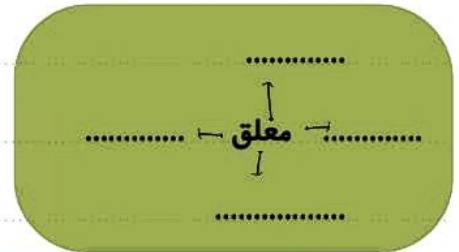
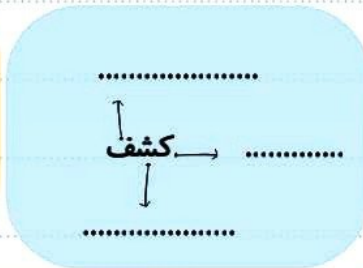
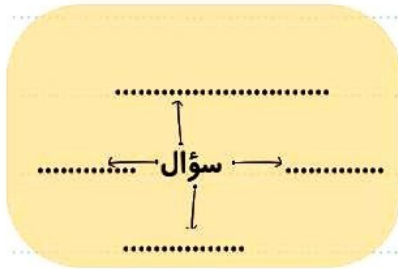
سؤال - گوشواره : -----

ابوریحان - فیلسوف : -----

تحقیق - کشف چیز های ناشناخته : -----

۴- در مقابل هر پیکان فلش، کلمه ای بنویس که آن حرف را داشته باشد و از متن درس ها انتخاب

شده باشد .



۵- برای کلمه های زیر جمع بنویسید .

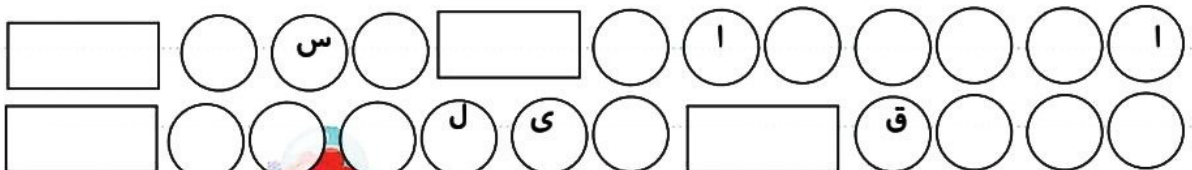
فیلسوف ----- سؤال ----- مسئله -----

محقق ----- عجیب ----- پژوهشگر -----

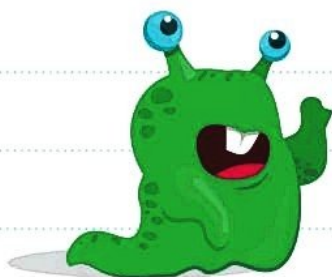
۶- نمودار جمله های زیر را رسم کن .

اشکان مداد را به فروشنده داد . ضیا خودنویس را از پدرش گرفت .

۷- به اول و آخر نشانه هایی که می بینی چند حرف اضافه کن تا واژه های معنی دار ساخته شوند .



۱۱) در بیت های زیر کلمه ی درست داخل کمانک را انتخاب کن .



« سنای - ثنای ، ذات پاکت می سرایم»

« خدایا در زمان ، « صواب - ثواب ، آر»

« غذا - قضا ، بر باز خورد آن تیرو افتاد»

۱۲) کلمه های به هم ریخته را مرتب کن و جمله بنویس

مادر ، نشانی ، مهتاب ، مدرسه ، را ، یارانه ای ، پایگاه ، به ، و ، پدرش ، داد .

او ، دلگرم ، را ، شاد ، و ، کرد ، مهربان ، معلم ، لبخند

۱۳) برای کلمه های زیر یک واژه مناسب بنویس

صدای عکس های نقاله ی

تصاویری مدرسه لبخند

هوای قاضی کیسه ی

هنرو سرگرمی

۱۴) بیت های زیر را کامل کن

مرا توفیق ده تا صفاتِ ذات تو بر لفظ دانم

..... پاکت می سرایم می گشایم

الها ، جز تو ما کس را
.....

۱۵) هر دسته از واژه های زیر را از کوچک به بزرگ مرتب کن .

اتاق - مجتمع - آپارتمان

کشور - شهر - استان

رودخانه - اقیانوس - دریاچه

مدرسه - حیاط - کلاس



۱۹ بیت زیر را معنی کنید.

موش بیچاره در هراس افتاد
گریه کرد و به التماس افتاد

۱۰ هم معنی کلمه های « چابک ، جلیل ، تحقیق ، ثنا » به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟

الف) صورت ، باشکوه ، محقق ، پوچ

ب) تند و سریع ، مطالعه دقیق ، بزرگ ، نکان

ج) تند و سریع ، باشکوه ، مطالعه دقیق ، ستایش

د) پرید ، مطالعه ، بزرگ ، گوناگون

۱۱ طبق بیت زیر ، دوستی با چه کسانی ناخوشایند است ؟

« چه ناخوش بود دوستی با کسی
که بهره ندارد از دانش بسی »

الف) با افراد بی ادب

ب) با کم عقلان

ج) با افراد بی علم و دانش

د) با دوستان بد

۱۲ کدام کلمه جمع نیست ؟

الف) مشکلات

ب) مسائل

ج) بهاران

د) اعمال

۱۴ کدام مصراع غلط املائی دارد ؟

الف) ز کز گفتن زبانم در آسان دار

ب) الهی ، فضل خود را یار ما کن

ج) ثنای ذات پاکت میسرایم

د) به حال بندگان خویش ناظر

۱۵ با کلمات داده شده یک بند توصیفی بنویس . کتاب خانه - مطالعه - دانش آموزان - قفسه ها - موضوعات

